

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ساریان خوش

۲۶ نومبر ۲۰۱۹

سخنرانی عبدالاحد حارث در محفل شعرخوانی و روکشانی از مجموعه شعری (نقاب از چهره پنهان، اثر نبی الله دلریش)

هموطنان عزیز، زحمتکشان کشور، روشنفکران انقلابی!

آنچه که امروز در این محفل بزرگ ارائه می گردد انعکاس درد ها، آوارگی ها، انتحار، انفجار و ویرانی سلححات میهن در طی سال های جنگ های نیابتی، استعماری و تجاوزگرانه می باشد؛ اما تاریخ گواه بر آن است که ادباء، شعراء و نویسندگان متعهد با اتکاء به قدرت قلم، بیان و شعر خود نقش سازنده و بسا مؤثر در رشد تربیت معنوی، اخلاقی، آگاهی سیاسی، فرهنگی، کسب موفقیت های ملی و انقلابی حتی فراملی داشته اند. در دوران ما شاعر باید در دگرگونی جامعه و جهان که دور او را احاطه کرده، سهم فراوان داشته باشد. شاعر دیگر این الزام را ندارد که برای سر گرمی و تفنن و رضایت خاطر مشتى از آسوده دلان ستمگر و طبقات حاکم جامعه برای دریافت صلح و یا امتیاز های دیگر شعر بگوید؛ او می تواند ضد جنایات طبقات ستمگر و قوانین بیداد گرایانه نظامی که در آن زندگی می کند به مبارزه و ستیز بر خیزد و مقررات کهنه، پوسیده، ارتجاعی و تاریخ زده را به دور اندازد و صدای اعتراضش را بلند کند.

شاعر متعهد شخصیتی است آشنا به اوضاع و احوال محیط خویش وقتی می نگردد که نظام فاسد بر ارکان جامعه حکومت می کنند، مردم آسایش و آرامی ندارد، مشتى اوباش و جنایت کاران کامروا اند، سکوت اختیار نمی کند و یا در عمق فاجعه سنایشگر گلها، شگوفه ها، درخت ها، دره ها، کوه ها، زلف و چشم یار نمی باشد و از آن ها سخن نمی گوید. شاعر متعهد از اوضاع و شرایطی ناهنجار جامعه سخن می گوید چرا که شعر شاعر متعهد زاده درد است، درد های عمیق و عمومی نه درد های سطحی و شخصی.

شاعران انقلابی همواره الهام بخش توده های زحمتکش جوامع خود هستند، چنین شاعرانی وظیفه دارند تا از درد و آلام توده ها بگویند. شاعران متعهد جامعه ما باید از همه فجایع جامعه از بمباری ها، خون ریزی ها، کشتار، انفجار، انتحار، چپاول، جنایات، درد ها، ستم ها، بیداد گری ها، بیکاری، فقر و خفقان حاکم بر جامعه سخن بگویند و شعر بسرایند و هم مباشر و کار گزار برای آینده های تابناک جامعه نوین و مترقی که سخنگوی همه نیاز های بشری است باشد.

ارزش خاص هر شاعر در جامعه در این جاست که جوهرش از عمق به سطح می کشد و باز تا عمق پیش می رود. شاعر درد هائی را که تجاوزگران بر پیکر خونین ملتش تحمیل می کنند، زود تر و عمیق تر از همه احساس می کند، اسباب و علل درد ها را می شناسد و برای دیگران می شناساند و طوفان درد ملت را آگاهانه فریاد می شود، اینجاست که از حالت خیال شاعرانه بیرون شده یکباره میان موجی از شور و غوغای انقلابی پرتاب می شود و با طوفانی از فریاد، مبارزه را به راه می اندازد.

بلی! شاعر دیگر خود سرباز جنگ خلق آزادیبخش ملی گردیده در کنار میلیون ها انسان اسیر میهنش می ایستد و شعرش را تیر و خنجر ساخته بر دل و دیده متجاوزان فرو می برد و آزادی و آزادی را می ستاید. شاعر متعهد از جامعه ای سخن می گوید که در آن گرد خاموشی، سکوت، اندوه و فراموشی پاشیده، میان مردم بی اتفاقی، تعصب، پراکندگی ایجاد شده است. شاعر انقلابی از عمق سکوت و خاموشی سخن می گوید و برای توده ها آگاهی و رهنمود انقلابی می دهد.

شاعر، نویسنده، فیلسوف و رهبر تا وقتی زنده است که در میان مردم باشد، دوری از توده ها ناقوس مرگ او را می سراپد او دیگر زنده نیست. دوری از توده ها دلیل خامی است و بی دانشی و پیروی از افکار خرده بورژوائی؛ شاعرانی که در سنگر مردم ایستاده اند از شعر دریافت های عمیق دارند، اوضاع و احوال را بخوبی تجزیه و تحلیل می نمایند و علیه استعمار و امپریالیسم به مبارزه بر می خیزند و شعر را حربه ای می پندارند که می تواند به جنگ سیاهی، تباهی، ستم، استثمار و استعمار رفت. شاعر انقلابی همه مناسبات فرتوت و فرسوده را باید بر ملا نموده از میان بردارد.

شاعر انسان آگاه، با دانش، مقاوم و استوار که جزء ضرورت زمان است، باید وجدان طبقاتی را در مردم شکل ببخشد، زیرا شعر هنر ملی است که ریشه در خون ما دارد. دوران ما دوران آگاه شدن توده هاست و قیام علیه ستمگران، در ایجاد جامعه هدفمند و مترقی شاعر دوستان خود را از میان مردم بر می گزیند، آنهایی که اسیر اقوام، رنگ ها و تعلقات شهر نشده همه چیز شان صادقانه است و در دوستی هایشان، محبت های شان، سلام و کلام شان تظاهر نمی کنند. شاعر با لحظه های زمان همگام است، غم زمانه خود را می سراپد. شاعر متعهد می شتابد به سوی افق های روشن، خورشید های همیشه تابناک و درخشان او می داند که سر راهش خار و خاره سنگ بسیار است. نا همواری، دشواری، رنج راه در اراده او خللی وارد نمی کند و می خواهد افق های بیکران را تسخیر نماید و با هر چه دشواری و سختی است به مبارزه و ستیزه بر می خیزد.

شاعران متعهد در طول تاریخ رسالت خود را بخوبی انجام داده و پیوسته خشم حکام ستمگر و قدرت های اهریمنی را به طغیان در آورده و با تحلیل و ارزیابی که از ستمگران، استعمارگران و استثمارگران داشتند مردم را علیه آنها به مبارزه دعوت کردند و تا پیروزی در سنگر های توده ها ایستاده اند.